

نادر نوروزی*

جرایم خرد علیه نظم عمومی «راهبردها و راهکارها»

چکیده:

در این نگاشته نویسنده در پی آن است که ویژگی‌ها و محدوده جرایم خرد را ترسیم نموده و نگاهی گذرا بر دانسته‌های حقوق کیفری و یافته‌های جرم‌شناسی پیرامون این جرایم داشته باشد و برخی راهکارهای عملی مقابله با این جرایم را نیز طرح نمایند.

واژگان کلیدی:

جرم خرد، سیاست جنایی، حد تحمل صفر، جرم‌انگاری، جرم‌زدایی، کیفرزدایی، قضازدایی.

هنگامی که واژه جرم را می‌شنویم اکثراً اعمالی مانند سرقت، قتل، کلاهبرداری به عنوان مصادیق آن به ذهن متبادر می‌شود در حالی که تعداد زیادی از جرایم افعالی مانند توهین، فحاشی، برهم زدن نظم عمومی، رانندگی بدون پروانه، مزاحمت و جرایمی دیگر از این قبیل هستند که هر روز در اطراف ما اتفاق می‌افتند اما خیلی مورد بحث قرار نمی‌گیرند و چندان توجهی به آن نمی‌شود. در حقوق کیفری نیز جرایم خرد موضوع مطالعات گسترده‌ای نبوده‌اند اما در دهه‌های اخیر مطالعات جرم‌شناختی اهمیت جرایم خرد و تأثیر آن را بر سطح زندگی در شهرها و احساس امنیت شهروندان تا حدودی روشن کرده است. شیوع این جرایم به حدی است که تقریباً تمام افراد جامعه در خلال زندگی روزمره خود، خصوصاً در کلان شهرها به دفعات با این قبیل جرایم مواجه شده‌اند و حتی بعضاً خود مرتکب آنها شده‌اند. تنشی که این گروه از جرایم در جامعه ایجاد می‌کند شدید نیست و قبح انجام این اعمال نزد شهروندان در مقایسه با جرایم مهم نظیر سرقت، قتل، کلاهبرداری زیاد نیست و مرتکبین این قبیل جرایم نیز به اندازه مجرمین جرایم مهم مورد سرزنش قرار نمی‌گیرند. اما حجم بالای این جرایم موجب می‌گردد که نظم عمومی جامعه به‌طور جدی خدشه‌دار شود که این خود مقدمه بروز تنش‌های اجتماعی و جرایم مهم‌تر خواهد بود. در ارتباط با جرایم خرد باید به چند سؤال اصلی پاسخ داد اولاً مقصود از جرم خرد چیست؟ و چه تفاوت‌هایی میان این گروه از جرایم و سایر جرایم وجود دارد که موجب تمایز این جرایم از جرایم مهم شده است؟ ثانیاً بایسته‌ها و انگاشته‌های حقوق کیفری در خصوص جرایم خرد کدامند؟ ثالثاً یافته‌های جرم‌شناختی در ارتباط با این جرایم چیست؟ و بالاخره در خصوص این جرایم چه راهبردها، سیاست‌ها و راهکارهایی وجود دارد؟

۱- محدوده و معیارهای شناسایی جرایم خرد

جرم خرد که معادل واژه انگلیسی Petty offense است در فرهنگ لغات حقوقی جرم خرد این‌گونه تعریف شده‌اند، «جرایمی که دارای مجازات حبس کمتر از یک سال یا جزای نقدی اندک هستند»^(۱) اما برای شناسایی جرایم باید به دو نکته توجه شود: نخست محدوده و مصادیق این جرایم و سپس ویژگی‌های آن، بنابراین ابتدا مصادیق این جرایم را بررسی نموده و سپس ویژگی‌های آنها را در حقوق کیفری و جرم‌شناسی برمی‌شماریم.

۱-۱- طبقه‌بندی جرایم و معیارهای آن

یکی از مسائل پایه در حقوق کیفری طبقه‌بندی جرایم است. طبقه‌بندی جرایم مبانی مختلفی دارد گاه جرایم را بر اساس عنصر معنوی به جرایم عمدی و غیرعمدی طبقه‌بندی می‌کنند و گاه جرایم بر اساس نوع منافع مورد تعرض به جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه اموال و جرایم علیه امنیت تقسیم می‌شود. طبقه‌بندی‌های مختلف دیگری نظیر تقسیم جرایم به جرایم عمومی سیاسی و نظامی نیز وجود دارد. (حقوق جزای عمومی - ترجمه دادبان - ۱۳۷۷ - ص ۲۷۱) اما رایج‌ترین و کاربردی‌ترین نوع طبقه‌بندی جرایم طبقه‌بندی بر اساس میزان مجازات و شدت جرم است. البته خود طبقه‌بندی جرایم بر اساس شدت جرم تابعی از دو عامل اصلی است: اول شدت و میزان صدمه ناشی از جرم و دوم میزان قابل سرزنش بودن مرتکب جرم. در خصوص شدت صدمه ناشی از جرم نیز عواملی از قبیل نوع، ارزش یا منفعت مورد تعرض، میزان آسیب، شرایط زمانی و مکانی و کیفیت انجام جرم دخالت دارند. با توجه به موارد یاد شده یکی از راه‌های تشخیص جرایم خرد و شاید مهم‌ترین روش برای تفکیک این جرایم از جرایم بزرگتر توجه به میزان مجازات تعیین شده از سوی قانون‌گذار و طبقه‌بندی ارائه شده در قوانین کیفری است. در بسیاری از مجموعه‌های قوانین این طبقه‌بندی بر اساس ضرورت به صورت روشن ارائه شده است. در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲ نیز که قبل از انقلاب اسلامی جاری بود این طبقه‌بندی لحاظ شده بود و جرایم به جنایت، جنحه و خلاف تقسیم می‌شدند، لکن بعد از انقلاب اسلامی مبنای طبقه‌بندی جرایم تغییر یافت و جرایم با توجه به مبنای شرعی به حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده تقسیم شدند که هر یک از این گروه‌ها شامل مجازات‌های مختلف و درجات شدت متفاوت است. در حدود ارزش‌ها و قواعد الهی توسط مرتکب نقض شده که قطع نظر از شدت مجازات‌های مقرر در این بخش اهمیت و نوع ارزش‌هایی که در حدود مبنای جرم‌انگاری هستند مانع از آن است که جرایم این بخش را جرم خرد تلقی کنیم. در بخش قصاص نیز با توجه به نوع جرم که قتل یا صدمات عمدی جسمانی است و نوع مجازات که قصاص نفس یا اطراف بوده و معادل و مماثل جنایت واقعه است هرچند جنایت واقعه کوچک و از دسته جراحات باشد نمی‌توان آن را جرم خرد تلقی کرد. (قباسی، دهقان، خسروشاهی - مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، ۱۳۸۰) درخصوص بخش دیات نیز گرچه در قانون مجازات اسلامی دیه یکی از مجازات‌ها به شمار آمده اما در واقع ماهیت دیه

از سوی دیگر پرداخت دیه در بسیاری از موارد با مجازات‌های دیگر جمع می‌شود که با توجه به موضوع جرم که صدمات جسمانی است، جرایم مشمول این مجازات را نیز نمی‌توان با معیارها و مشخصات جرایم خرد منطبق دانست. لذا در حقوق کیفری ایران در موضوع جرایم خرد نیز مانند سایر تأسیسات حقوق کیفری باید تنها به جرایمی که دارای مجازات تعزیری و بازدارنده هستند بسنده کنیم. با توجه به موارد مذکور باز هم این ابهام وجود دارد که ملاک تعیین جرایم خرد در میان جرایمی که مجازات تعزیری و بازدارنده دارند چیست؟ در بررسی جرایم تعزیری و بازدارنده به طیف وسیعی از جرایم با میزان و نوع مجازات‌های مختلف برمی‌خوریم. جرایمی با مجازات‌های حبس، شلاق و جزای نقدی و حتی جرایمی که مرتکب آنها به مجازات محارب محکوم می‌شود در میان جرایم تعزیری دیده می‌شوند. اگر بپذیریم که اصلی‌ترین معیار شناسایی جرایم خرد شدت مجازات است ابهام دیگری که وجود دارد این است که کدام یک از مجازات‌های مقرر در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی شدیدتر است، آیا حبس شدیدتر است یا شلاق؟ جزای نقدی شدیدتر است یا شلاق؟ از سوی دیگر نمی‌توان تنها بر اساس ماهیت این مجازات‌ها در خصوص آنها قضاوت کرد. بلکه میزان مجازات نیز در این مقایسه دخیل است. مثلاً آیا یک جزای نقدی با مبلغ بالا شدیدتر است یا ۷۴ ضربه شلاق؟ یک حبس کوتاه مدت شدیدتر است یا ۷۴ ضربه شلاق؟ و یا حبس کوتاه مدت شدیدتر است یا جزای نقدی با مبلغ زیاد؟ اصولاً قضاوت در خصوص شدت یک مجازات زمانی امکان‌پذیر است که مبنای مشترکی برای اندازه‌گیری شدت وجود داشته باشد. در مورد حبس تعزیری و جزای نقدی با توجه به اینکه در بسیاری از موارد این دو قابل تبدیل به یکدیگرند و با هم اعمال می‌شود یا یکی از آنها اعمال می‌شود و اینکه این دو از مجازات‌های مرسوم در تمام نظام‌های حقوقی هستند، شاید انتخاب آنها به عنوان مبنای مشترکی برای تعیین شدت جرم بهتر باشد اما در مورد شلاق با توجه به اینکه یک مجازات بدنی است و بسته به اوضاع و احوال مرتکب می‌تواند بسیار شدید باشد ابهام بیشتری وجود دارد. (نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، ۱۳۸۱، ص ۴۱۱)

بنابراین بهتر است مبنای جرم خرد در بخش تعزیرات میزان حبس و جزای نقدی در نظر گرفته شود و با توجه به سوابق طبقه‌بندی در قوانین سابق ایران و طبقه‌بندی جرایم در سایر کشورها و نظام‌های حقوق کیفری بجاست جرایم خرد را در نظام حقوق کیفری کنونی ایران جرایم تعزیری و بازدارنده‌ای بدانیم که دارای حبس کوتاه مدت و جزای نقدی اندک هستند.

۱-۲- مصادیق جرایم خرد در قوانین کیفری

تفحص در برخی قوانین کیفری از جمله قوانین مربوطه به محکومیت‌های مؤثر، تعلیق مجازات و تجدیدنظر خواهی نیز نشان می‌دهد که واکنش قانون‌گذار در خصوص برخی از جرایم با سایر آنها متفاوت است و قانون‌گذار راه‌های سریع‌تر و ساده‌تری را در مورد این جرایم برگزیده است. این جرایم بزه‌هایی با کیفر اندک هستند و تا حدودی می‌توان به ملاک‌های قانون‌گذار در مورد جداسازی جرایم خرد و جرایم مهم دست یافت. به عنوان مثال در تعلیق مجازات، قانون‌گذار تعلیق را در مورد محکومینی که به بیش از یک سال حبس یا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم شده‌اند جایز نمی‌داند و این نشانگر آن است که جرایم عمدی که مجازات آنها کمتر از یک سال حبس یا دو میلیون ریال جزای نقدی است، از دیدگاه قانون‌گذار آنقدر مهم نبوده که محکومیت به آنها برای یک بار مانع تعلیق باشد و همچنین در قانون محکومیت‌های مؤثر مصوب مهرماه ۱۳۶۶ نیز محکومیت حبس‌های کمتر از یک سال و جزای نقدی کمتر از دو میلیون ریال محکومیت مؤثر شناخته نشده‌اند. در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، برای خلاف‌ها و جنحه‌های کوچک حبس‌های کوتاه مدت و جزای نقدی در نظر گرفته شده است.^(۱) نگاهی به قانون مجازات اسلامی و قوانین کیفری نشان می‌دهد برخی از جرایم این قانون دارای حبس کمتر از یک سال هستند. این جرایم همان‌هایی هستند که در قوانین گذشته از درجه خلاف و جنحه بودند. (ایمانی، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، ۱۳۸۲، ص ۲۱۶) توجه به عنصر مادی این جرایم و نحوه ارتکاب آنها در بخش تعزیرات نیز حاکی از آن است که فلسفه جرم‌انگاری در جرایمی که دارای مجازات حبس زیر یک سال هستند بیش از آنکه به منافع فردی یا حفظ اموال توجه داشته باشد معطوف به حفظ نظم عمومی است. قانون‌گذار با جرم‌انگاری رفتارهایی نظیر ولگردی، تکدی، رانندگی بدون پروانه، توهین و فحاشی، شرب خمر در ملاء عام^(۲) و مزاحمت بیشتر در پی ایجاد یک نظم در زندگی شهروندان است. مطالعه قوانین سایر کشورها نیز نشان می‌دهد که این جرایم در سایر کشورها و نظام‌های حقوقی دیگر نیز دارای مجازات حبس‌های کوتاه مدت و جزای نقدی هستند و جالب توجه است که علی‌رغم وجود تفاوت‌های بنیادین در

۱- مجازات خلاف به موجب ماده ۱۱ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ از ۲ تا ۱۰ روز حبس تکدیگری جزای نقدی تا ۲۰۰ ریال بود و همچنین مجازات جنحه کوچک حبس از ۱۱ روز تا یک ماه غرامت از ۲۰۱ ریال تا ۵۰۰ ریال و مجازات جنحه مهم بیش از یک ماه حبس بود.

۲- مقصد فقط در همین نظر عمومی و نظام‌های حقوقی دیگر نیز جرایم مشابهی در ملاء عام در نظر گرفته شده است.

نظام‌های حقوقی که در کشورهای مختلف دیده می‌شود در این‌گونه جرایم یک تشابه بارز به چشم می‌خورد و همین موضوع سبب می‌شود که تفکیک جرایم خرد در یک سطح فراملی مطرح شود. علت مشابهت جرایم خرد در نظام‌های مختلف این است که جرایم خرد با ارزش‌های اساسی و بنیادین کشورها و نظام‌های سیاسی مرتبط نیستند. بلکه به حفظ نظم عمومی، یعنی موضوع مشترک میان تمام جوامع اختصاص دارند. حفظ نظم عمومی که خصوصاً در شهرها و به‌ویژه در کلان‌شهرها اهمیت پیدا می‌کند. به همین دلیل در مراجعه به فرهنگ‌ها و متون حقوقی در می‌یابیم که مقصود از واژه جرم خرد^(۱) بیشتر جرایمی است که نظم عمومی را خدشه‌دار می‌کند و اکثر آنها مجازات‌های حبس زیر یک سال یا جزای نقدی با مبالغ اندک دارند و جرایمی نظیر ولگردی، تکدی و کلاشی، فحاشی، مزاحمت، آلودگی محیط زیست، رانندگی بدون پروانه، مستی در معابر عمومی را شامل می‌شود. با مراجعه به قانون مجازات اسلامی در می‌یابیم که در قانون مجازات اسلامی نیز این جرایم با همین میزان و نوع مجازات در بخش تعزیرات وجود دارند. با توجه به توضیحات فوق دو معیار اصلی برای تشخیص جرایم خرد روشن می‌شود. اولاً جرایم خرد آن گروه از جرایم هستند که دارای مجازات حبس کوتاه مدت (زیر یک سال) و یا جزای نقدی با مبالغ اندک (زیر پنج میلیون ریال) می‌باشند. ثانیاً جرایم خرد بیشتر در حوزه نظم عمومی زندگی در شهرها و خصوصاً کلان‌شهرها مورد توجه قرار می‌گیرد. گروه دیگری از جرایم خرد جرایمی هستند که به منظور تحکیم انضباط اداری و کنترل و قاعده‌مند کردن رفتارها در فضای مقررات اداری جرم‌انگاری شده‌اند. این گروه از جرایم خرد خصوصاً در کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که سعی در تحکیم مبانی نظام اداری دارند دیده می‌شود. این جرایم نیز مجازات‌های نقدی و بعضاً حبس‌های کوتاه مدت دارند و برخی از آنها نیز مشمول اقدامات تأمینی نظیر ابطال پروانه تأسیس واحدهای تجاری و تولیدی یا تعطیل موقت آنها می‌شود. اما مراجعه به منابع و مطالعه جرم‌شناختی که در خصوص جرایم خرد انجام شده نشان می‌دهد که گروه اخیر چون مربوط به حفظ نظم عمومی نبوده، در فضای نظام اداری وضع شده‌اند و در قالب مفهومی و مصداقی جرایم خرد گنجانیده نشده‌اند و اصطلاح جرم خرد شامل همان جرایم مربوط به نظم عمومی است. لذا واژه جرم خرد به جرایمی که دارای مجازات کم بوده و نظم عمومی زندگی شهری را خدشه دار می‌کنند اطلاق می‌شود.

۲- ویژگی‌های جرایم خرد

۲/۱- ویژگی‌های جرایم خرد از دیدگاه جرم‌شناسی

از دیدگاه جرم‌شناسی جرایم خرد رفتارهایی هستند که بلافاصله بعد از حد تحمل جرم‌انگاری قرار دارند و بسیار نزدیک به کژرفتاری‌هایی هستند که پاسخ اجتماعی دارند اما به دلایل مختلف و بر اساس ضرورت، قانون‌گذار برای آنها مجازات کیفری تعیین کرده است. در واقع اگر یک طیف برای ناهنجاری‌های رفتار رسم کنیم، جرایم خرد در همسایگی کژروی‌ها قرار می‌گیرند و قبح اجتماعی آنها به حدی نیست که مردم مرتکبین آنها را مستحق مجازات‌های سنگین و سرزنش شدید بدانند. خسارات ناشی از این جرایم نیز چندان سنگین نیست اما آنچه اهمیت این گروه از جرایم را روشن می‌کند حجم بالای آمار و کثرت تعداد ارتکاب آنهاست. بسیاری از شهروندان ممکن است مرتکب جرایم خرد باشند لکن مجرم تلقی نمی‌شوند و عده کثیری از شهروندان نیز بزه‌دیدگان این رفتارها هستند اما در ظاهر صدمات وارده به آنها شدید نیست. به عنوان مثال، هنگامی که در چهار راه پشت چراغ قرمز توقف کرده‌اید دچار اصرار یک گدای سمج می‌شوید یا راننده‌ای بی‌مبالا با سرعت از کنار شما عبور می‌کند و اگر اعتراض کنید ممکن است به شما توهین نماید و یا وقتی از خیابان عبور می‌کنید شاهد ایجاد مزاحمت برخی اراذل و اوباش برای شهروندان هستید. این جرایم هر روز در خیابان‌ها قابل مشاهده است. گرچه تنش یک جرم خرد محدود است اما کثرت آن باعث پایین آمدن کیفیت زندگی شهروندان و فشار روانی و اضطراب برای عموم خواهد شد و نقض نظم عمومی خصوصاً در کلان‌شهرها با توجه به گستردگی این موارد اگر بیش از جرایم مهم به جامعه لطمه وارد نکند یقیناً تأثیر سوء آن کمتر نیست.

۲/۲- ویژگی‌های جرایم خرد از دیدگاه حقوق کیفری

از دیدگاه حقوق کیفری ماهوی اعمال اصول پایه حقوق کیفری یعنی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و اصل رسیدگی در محاکم قضایی بعضاً در مورد جرایم خرد کم‌رنگتر است به طوری که کیفر این جرایم خصوصاً در مورد تخلفات به وسیله تنظیم آیین‌نامه‌های اجرایی از سوی دستگاه‌های اجرایی تعیین می‌شود و رسیدگی به آنها به پلیس یا مقامات دستگاه‌های اجرایی محول می‌شود. قواعد مربوط به تشدید مجازات در اثر تکرار و تعدد در مورد بعضی از

مجازات در این گروه از جرایم وجود ندارد. مجازات بعضی از جرایم خرد حبس‌های کوتاه مدت قابل تعلیق هستند، قاعده جمع مجازات‌ها در مورد جرایم خلاف به اجرا در می‌آید و درخواست استرداد برای مرتکبین این جرایم پذیرفته نمی‌شود. از دیدگاه حقوق کیفری شکلی نیز این جرایم در توسل به پلیس یا دادگاه‌های دون پایه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. (آخوندی، نگرش فقه قضائیه ج.۱.ا. به جرایم خرد، ۱۳۷۸) رسیدگی معمولاً سریع و بدون تشریفات لازم انجام می‌شود در برخی از موارد حکم صادره قطعی است و تجدیدنظر خواهی ندارد چرا که هزینه‌های رسیدگی در مرحله تجدیدنظر و برای جامعه بیش از میزان خسارت وارده از یک جرم کوچک است. برخی از جرایم خرد نیازی به تحقیقات مقدماتی ندارند (جرایم خلافی) و یا تحقیقات مقدماتی آنها توسط مدیر دفتر دادگاه یا پلیس انجام می‌شود. از سوی دیگر باید توجه داشت جرایم خرد با خطاهای انتظامی متفاوتند و همچنین با جرم مدنی نیز تفاوت دارند. جرایم خرد واجد تمام شرایط و عناصر جرم کیفری هستند (باهری، حقوق جزای عمومی، ۱۳۸۱) ولی ویژگی‌های خاصی دارند که برخی از آنها برشمرده شد.

۳- بررسی‌ها و یافته‌های جرم‌شناسی در خصوص جرایم خرد

۳/۱- نظریه پنجره‌های شکسته^(۱)

در دهه ۱۹۶۰ بی‌نظمی‌های شهری در آمریکا یک مسئله اساسی به شمار می‌آمد. دانشمندان علوم اجتماعی شروع به بررسی دقیق نقش پلیس در برقراری نظم عمومی نمودند و همچنین در بهبود این نقش پیشنهاداتی ارائه کردند نه فقط به این خاطر که خیابان‌ها را امن‌تر نمایند، بلکه با این هدف که خشونت‌های دسته‌جمعی را کم کنند. اما جرایمی که در اوایل ۱۹۶۰ شروع شده بود در طی این دهه کاهش نیافت و با روندی رو به افزایش به دهه ۱۹۷۰ کشیده شد. بنابراین نقش مبارزه با جرایم توسط پلیس مورد توجه قرار گرفت. مطالعه بر روی رفتار پلیس در ارتباط با حفظ نظم متوقف گردید و در عوض جای خود را به تلاش برای پیشنهاد و آزمایش راهکارهایی داد که به موجب آنها پلیس می‌توانست به جرایم بیشتری بپردازد، متهمین بیشتری بازداشت کند و شواهد را بهتر جمع‌آوری نماید. دانشمندان علوم اجتماعی فرض را بر این گذارده بودند که با انجام این کارها شهروندان کمتر احساس ترس خواهند نمود. در طی این دوره انفعال

نقش، کارهای زیادی انجام شد که نتیجه تأکید رؤسای پلیس و متخصصان خارج از سیستم پلیس در طرحهایی بود که برای پررنگ کردن نقش مبارزه با جرایم و تخصیص منابع و جذب پرسنل اجرا نمودند. بدون شک پلیس از مسئولیتی که در قبال حفظ نظم داشت نیز آگاه بود. اما ارتباط میان حفظ نظم و جلوگیری از وقوع جرایم که در گذشته کاملاً آشکار بود فراموش شده بود.

نظریه پنجره‌های شکسته در قالب مقاله‌ای در نشریه آتلانتیک مانتلی^(۱) توسط جیمز کیویلسون^(۲) و جورج ال کلینگ^(۳) منتشر گردید. این دو نفر که مروج این نظریه هستند عنوان نمودند که غافل ماندن از جرایم خرد زمینه را برای وقوع جرایم مهم‌تر هموار می‌نماید با این تعبیر سمبولیک که: «یک پنجره شکسته و تعمیر نشده نشانه این است که کسی به این موضوع اهمیت نمی‌دهد و بنابراین شکستن پنجره‌های بیشتر نیز هزینه‌ای را به کسی تحمیل نخواهد کرد.» (Kelling and Wilson, Broken windows, the Atlantic Monthly 1982) در هیچ شهری به اندازه نیویورک این نظریه مورد توجه قرار نگرفت و در آنجا در طی ۱۰ سال میزان جرایم به‌طور چشمگیری کاهش یافت. ویلیام براتون^(۴) رئیس پلیس سابق نیویورک مقاله‌ای تحت عنوان «حفظ نظم - اعمال شدید قانون علیه خلاف‌های مزاحمت‌آمیز» ارائه داد که مکمل مقاله کلینگ و ویلسون بود.

به‌طور خلاصه نظریه پنجره‌های شکسته عنوان می‌کند بی‌توجهی به اخلال در نظم عمومی و انجام اقدامات تخریبی نظریه نوشتن و یا ترسیم اشکال بر روی دیوارها، ریختن زباله، تخریب اموال مردم و جرایم خردی نظیر نوشیدن مشروبات الکلی در انتظار عموم و ولگردی حاکی از عدم توجه به بزهکاری است و موجب می‌گردد زمینه برای جرایم مهم‌تر فراهم شود. در بهار ۱۹۹۰ تحت تأثیر این نظریه افراد پلیس به خیابان‌ها و خصوصاً ایستگاه‌های مترو آمدند. آقای کلینگ که هم اکنون استاد جرم‌شناسی دانشگاه راتجرز نیوآرک^(۵) است در آن زمان مشاور جرایم و بی‌نظمی آقای براتون رئیس پلیس وقت نیویورک بود آقای براتون در خاطراتش می‌نویسد «تصمیم گرفته بودیم این نظریه را در مورد جرایم خرد در ایستگاه‌های مترو اعمال نماییم. بزرگترین پنجره شکسته سرپیچی بعضی افراد از خرید بلیط و پرداختن کرایه سوار شدن به قطار بود. ما تصمیم گرفتیم آن پنجره را ترمیم کنیم. مأمورین لباس شخصی پلیس در قالب تیم‌های

1- The Atlantic Monthly.

2- James Q. Wilson.

3- George I. Kelling

4- William Bratton.

گشت در ایستگاه‌های مترو گمارده شدند تا افرادی را که از روی نرده‌های ورودی مترو می‌پریدند و بدون ارائه بلیط سوار قطار می‌شدند دستگیر نمایند. آقای براتون با خوشحالی متوجه شد که بسیاری از دستگیرشدگان سلاح‌های غیرقانونی با خودشان حمل می‌کردند و یا تحت پیگرد بودند. با افزایش این دستگیری‌ها در ایستگاه‌های مترو کلیه جرایم کاهش یافت. (Bratton, order maintenance-Aggressive enforcement of laws agarist Nuisance offences, 1998) پس از آنکه شهردار رودلف جیلینانی^(۱) آقای براتون را به سمت کمیسر پلیس نیویورک منصوب کرد او شروع به اجرای طرح «ارتقاء در کیفیت زندگی شهری» نمود که به منظور مبارزه با تکدی، رفتارهای برهم زننده نظم عمومی، نوشیدن مشروبات الکلی در انظار عمومی، زنان خیابانی و خلافکارانی که بدون مجوز در سر چهارراه‌ها شیشه‌های اتومبیل‌ها را تمیز می‌کردند طراحی شده بود.

ردیابی کامپیوتری مناطق جرم خیز در مورد جرایم خرد و طرح «حفظ نظم»^(۲) در طی دو سال اول جرایم مهم را به میزان ۲۷ درصد کاهش داد.

در سال ۱۹۹۰ شهر نیویورک پیشگام کاهش جرایم سنگین از طریق کنترل نظم عمومی و جرایم خرد در سطح ملی آمریکا گردید و در سایر شهرهای بزرگ نیز در مورد موفقیتی که عده‌ای از مردم با گماردن پلیس در محله‌هایشان کسب کرده بودند تبلیغ می‌شد.

در همان سال محقق بنام اسکوگان^(۳) در کتابش به نام «بی‌نظمی و افول جرم: چرخه زوال در شهرهای آمریکا» که توسط دانشگاه کالیفرنیا منتشر شد، تحقیقات به عمل آمده در مورد چهل محله از شهرهای بزرگ آمریکا را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و دریافت که تخریب اماکن و ناهنجاری‌های اجتماعی محلات با ارتکاب جرایم سنگین در این محلات رابطه متقابل دارد. (Skogan, Disorder and community declines, p.86)

آقای کلینگ و دستیارش در کتاب تعمیر پنجره‌های شکسته این چنین می‌نویسند: «آقای اسکوگان رابطه علت و معلولی میان بی‌نظمی و جرایم سنگین را روشن نموده است».

(Kelling, fixing Broken windows, 1996, p.24)

نظریه پنجره‌های شکسته تحولی شگرف در نحوه عملکرد پلیس آمریکا به وجود آورد که از

آن به عنوان «انقلاب آبی»^(۱) یاد می‌شود. در سال ۱۹۹۸، نمایندگان پلیس بیش از ۱۵۰ کشور جهان از اداره پلیس نیویورک بازدید کردند تا در مورد راهکارهای پلیس در برقراری نظم اجتماعی آموزش‌های لازم را فراگیرند.

رالف تایلور^(۲) استاد جرم‌شناسی دانشگاه تمپل^(۳) در صدد آن برآمد که ارتباط میان جرایم و آنچه «بی‌تمدنی»^(۴) را دریابد و به نتایج بسیار پیچیده‌ای رسید. او نتایج حاصله از تحقیق در مورد ارتباط بی‌نظمی و جرایم را در ۳۰ محله شهر بالتیمور^(۵) در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ را مورد بررسی قرار داد و آن را با نتایج حاصله در سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ مقایسه کرد و ملاحظه کرد که بعضی از انواع بی‌تمدنی با جرایم و زوال محلات در ارتباط بودند. به این صورت که افزایش میزان تجاوز به عنف با ناهنجاری‌های اجتماعی در ارتباط است.

روبرت. جی. سامپسون^(۶) استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیکاگو^(۷) مشغول مطالعه در مورد بزهکاری و محلات شهری بود. در اواسط سال‌های ۱۹۹۰ اعضاء تیم تحقیقاتی آقای سامپسون در ۲۴۰۰۰ مجتمع مسکونی هزاران تن از خانواده‌های شهر شیکاگو را به منظور بررسی بی‌نظمی‌های فیزیکی و اجتماعی مورد بررسی قرار دادند و سعی نمودند این اطلاعات را با پنج نوع از انواع جرایم جنایی مرتبط سازند. آقای سامپسون در مورد یافته‌هایش در نشریه جامعه‌شناسی آمریکا چنین نوشت: «بی‌نظمی فقط یک عامل معتدل در ارتباط با جرایم جنایی است و زمانی که خواستند ارتباط جرم را با سایر مشخصه‌های محلات نظیر فقر و عدم ثبات مرتبط نمایند دریافتند که ارتباط آنها با بی‌نظمی جز در مورد سرقت در تمام زمینه‌ها از میان می‌رود.» (Sampson, American journal of sociology 2000, pp.637-638)

الی. بی. سیلورمن^(۸) استاد جرم‌شناسی در کالج حقوق کیفری جان.جی^(۹) روش مبتکرانه پلیس نیویورک را مورد بررسی دقیق قرار داد و آن را در کتابش تحت عنوان میازه اداره پلیس نیویورک با جرایم و روش‌های مبتکرانه که در سال ۱۹۹۹ چاپ شد مورد ستایش قرار می‌دهد و می‌گوید: «در مقایسه با سایر شهرها میزان جرایم سنگین در نیویورک سریع‌تر و بیشتر کاهش

۱- مقصود از انقلاب آبی اقدامات شدید پلیس آمریکا علیه جرایم خرد بود که منجر به کاهش جرم در نیویورک و چند شهر آمریکا گردید و بعداً الگویی برای عملکرد پلیس سایر کشورها شد.

2- Ralf Taylor.

3- Temple University.

4- uncivilition.

5- Baltimore.

6- Robert I. Sampson.

7- University of chicago.

یافت و این امر تا حدودی مرهون راهبردهای حفظ نظم است.» مدل نیویورکی مبارزه پلیس با جرایم خرد در بسیاری از کشورها الگو قرار گرفت.^(۱) در مورد نظریه پنجره‌های شکسته و تأثیر کنترل نظم بر کاهش میزان جرایم و همچنین راهبردهای پلیسی ناشی از این نظریه نقدهای متعددی صورت گرفته است از جمله اندروکارمن استاد جامعه‌شناسی در کالج جان جی بر این باور است که ادعای کاهش جرایم با کنترل بی‌نظمی به منزله قائل شدن اعتبار بیش از حد برای پلیس است. او در کتابش به نام «معمای قتل در نیویورک - داستان واقعی پشت پرده سقوط جرایم» می‌نویسد: «کاهش تعداد قتل‌ها و جرایم به میزان دو سوم در این دهه مرهون عوامل زیادی بوده که از جمله می‌توان به پایان جنگ مرگبار قاچاقچیان کوکائین در محله‌ها اشاره کرد. در حوالی ۱۹۹۰ پیش از آنکه پلیس ابتکارات خود را به کار ببندد آمار جرایم در نیویورک افزایش یافته بود و نهایتاً اقدامات محدود کننده‌ای که در خصوص مالکیت سلاح اعمال می‌شد میزان قتل‌ها را کاهش داد.»

صاحب‌نظران بر این باورند که کاهش جرایم در ۱۹۹۰ تنها مرهون کنترل نظم و اعمال راهبردهای پلیس نبوده است بلکه عواملی نظیر کاهش تعداد مردان جوان بین ۱۸ تا ۲۴ سال، از بین رفتن قاچاقچیان کوکائین، رشد اقتصادی بی‌وقفه که جوانان کم درآمد را ترغیب به انتخاب گزینه‌های غیرمجرمانه می‌نمود در این امر دخیل بوده است. (Karman, NewYork Murder Mystery, 1990's)

۳/۲- نتایج نظریه پنجره‌های شکسته

نظریه پنجره‌های شکسته منجر به یک راهبردی پلیسی در نیویورک و چند شهر دیگر گردید که معروف به «تحمل صفر پلیس»^(۲) شد. تحمل صفر پلیس تبدیل به اصطلاحی شده که به طرق متفاوت تعریف می‌شود و برای برخی افراد تداعی کننده اعمال خشونت‌آمیز و همه جانبه قانون است که هیچ ممنوعیتی را نمی‌شناسد و برای برخی دیگر یک راهبرد پلیسی است که جزئی از راهکارهایی است که برای مبارزه با جرایم خرد طراحی شده است. معمولاً در تحلیل این راهبرد به دو یا سه نمونه از موارد اجرا شده اشاره می‌شود، یکی شهر نیویورک در سال‌های

۱۹۹۳ و ۱۹۹۴، دیگری اداره پلیس کلیولند^(۱) در شمال شرق انگلستان در سال ۱۹۹۴ و سومین مرجع طرح ابتکاری است که در استراتکلاید^(۲) در اسکاتلند^(۳) در سال ۱۹۹۶ به مورد اجرا گذارده شد و از آن به عنوان یک راهبرد حساب شده برای مبارزه با جرایم خرد یاد می‌شود. (Greene, Zero - Toleramce Policing, 1999, pp.186-5)

برخی معتقدند مدل نیویورکی «حد تحمل صفر» که مدت زیادی است در کشورهای دیگر به مرحله اجرا درمی‌آید شامل سرکوبی موقت جرایم خرد است و به نظر می‌رسد این عمل به خواسته‌های مردم جامه عمل می‌پوشاند چون «حد تحمل صفر» را نوعی پیشگیری شدید جرایم به حساب می‌آورند. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ شهر نیویورک تعداد کارکنان پلیس خود را ۷۰۰۰ نفر افزایش داد و به آنها دستور داده شد تا با جرایمی نظیر نوشیدن مشروبات الکلی در انظار عمومی، رسم تصاویر بر روی در و دیوار شهر، تخریب اموال عمومی و سایر بی‌نظمی‌ها مبارزه نمایند. برخی این رویکرد را رویکرد سیاستمداران محافظه کار می‌دانند، سیاستمدارانی که از آنها به عنوان سیاستمداران نظم و قانون یاد می‌شود و به حضور بیشتر مأموران پلیس در خیابان‌ها و بازداشت‌های بیشتر و پیگرد کلیه جرایم تأکید دارند. (Criminal justice statistics of U.S, 2001)

تشدید مقابله با جرایم خرد و کاهش سایر جرایم دو رویکرد مختلف را پدید آورد. برخی از اقدامات پلیسی و سختگیری در مورد جرایم خرد انتقاد کردند و مدعی شدند که کاهش جرایم مهم ربطی به اقدامات پلیسی در مقابله با جرایم خرد ندارد. گروه دیگر از این راهبرد حمایت کردند و سعی در اصلاح و تکمیل آن نمودند.

یکی از طرح‌هایی که در جهت تعدیل و اصلاح راهبرد «حد تحمل صفر» اجرا شده طرحی بود که «عملیات نور متمرکز»^(۴) نام گرفت و آخرین تغییر و تحولی بود که شهردار جدید نیویورک آقای بلومبرگ^(۵) در طرح شهردار سابق آقای رودلف جیلینانی (طرح ارتقاء کیفیت زندگی در شهر)^(۶) ارائه داد. شهردار سابق معتقد بود بهترین راه پایین نگه داشتن جرایم این است که به جرایم خردی که به کیفیت زندگی شهری آسیب می‌رسانند توجه نمود و به حضور خشن پلیس در خیابان‌ها نیز متوسل شد.

1- Cleveland Constabulary.

2- Strathclyde.

3- Scotland.

4- Operation Spotlight.

اما در طرح جدید، اداره دادستانی، پلیس و مأمورین تعلیق مراقبتی شهر نیویورک اعلام کردند که قصد مبارزه با افرادی را دارند که مرتکب جرایم خرد می‌شوند. بر اساس یک تحلیل آماری تعداد ۹۷۰۰ نفر شناسایی شدند که مکرراً اعمالی نظیر فحشاء، نوشیدن مشروبات الکلی در انظار عمومی، استعمال مواد مخدر را انجام می‌دادند و برای این اعمال فقط محکوم به حبس‌های کوتاه مدت می‌شدند. زمانی که این افراد دستگیر شدند و معلوم شد که مکرراً مرتکب جرایم خرد شده‌اند پلیس دلایلش را سریع تر ارائه داد و متهمین در بخش ویژه دادگاه کیفری مورد محاکمه قرار گرفتند و رسیدگی به پرونده‌های آنها در اولویت قرار گرفت. شهردار در این رابطه گفت: «دادستان‌ها باید توجه بیشتری به این موارد داشته باشند و درخواست مجازات سنگین‌تری نمایند.» قضات دقت و ظرافت کافی را در احکام صادره نشان دادند و در مورد متهمینی که مکرراً مرتکب جرایم خرد می‌شدند مجازات سنگین‌تری را اعمال کردند. برخی از متهمین به یک سال حبس نیز محکوم شدند. برای متهمین که گذراندن این دوره به خاطر اعتیادشان برای آنها مخاطره‌آمیز بود، به حکم دادگاه مراقبت‌های پزشکی به منظور ترک اعتیادشان انجام شد. مجرمان سابقه‌دار نیز در دوره آزادی مشروط بیشتر تحت نظر قرار گرفتند.

(Rashbaum, New focus on Quality of life)

این برخلاف سیاست قبلی در مورد «حد تحمل صفر» بود که هزاران تن از مجرمین جرایم خرد را در دستگاه قضایی گرفتار نمود. اغلب این افراد در مورد سایر جرایم مورد بازپرسی قرار می‌گرفتند و پس از ۲۴ ساعت آزاد می‌شدند و یا به خدمات عمومی محکوم می‌شدند. منتقدان می‌گفتند دادگاه‌ها بیش از حد شلوغ شده بودند.

اساس طرح جدید بر پایه تجزیه و تحلیل آماری به عمل آمده بود که نشان می‌داد ۲۸٪ جرایم توسط ۶٪ بازداشتگان انجام شده است. این تجزیه و تحلیل نشان داد ۹۷۰۰ متهم بازداشت شده حداقل سه بار در سال گذشته دستگیر شده‌اند.

در این ارتباط، شهردار نیویورک اظهار داشت: «این افراد کارشان معاملات مواد مخدر است و جلوی مغازه‌های فروش اجناس ارزان دزدی می‌کنند، توریست‌ها را می‌ترسانند و مردم را از خرید باز می‌دارند، ارزش محلات را پایین می‌آورند و به اقتصاد آسیب وارد می‌کنند.»

یکی از مسئولین اجرایی طرح نور متمرکز می‌گوید گرچه با کمبود هزاران تن مأمور پلیس و منابع اندک در مبارزه با جرایم مواجه هستیم اما این طرح بر اساس یک «سیاست جنایی مناسب»

توجه به جرایم سطح پایین از ارکان موفقیت‌های مبارزه با جرایم است. (Criminal justice Statistics U.S, 2001)

وکلائی مدافع و نهادهای آزادی مدنی در خصوص این راهبردهای پلیسی عکس‌العمل‌های متفاوتی از خود نشان دادند. نماینده متهمان در انجمن امداد حقوقی نیویورک در رابطه با این راهبرد اظهار داشت: رویکردهای کیفری گذشته با شکست مواجه شده‌اند. او عقیده دارد اگر توجه این رویکرد به درمان معطوف گردد و تضمین کافی برای فرایند درمان ارائه شود راهکاری عملی و جدید پیدا شده و راهکاری که به شکستن چرخه مجریست که کمک کند چیزی مؤثر است و از یک راهکار مؤثر باید دفاع کند.

نماینده اتحادیه آزادی‌های مدنی نیویورک^(۱) در مورد این راهبرد گفت «ترجیه نقش دادگاه‌ها و اینکه آیا متهمان عادلانه محاکمه می‌شوند یا خیر مهم است.»

۳/۳- سهم جرایم خرد در احساس ناامنی و ترس شهروندان

برخی معتقدند که بخش کوچکی از ترس مردم مربوط به جرایم خرد است و قسمت عمده ناامنی و ترس مردم از جرایم خشونت‌بار است، که شاید تا حدی این مسئله درست باشد اما در موضوع در ذهن به وجود می‌آید. اول اینکه مشاهدات و بررسی‌ها نشان نمی‌دهد که چه مقدار از نگرانی‌هایی شهروندان در شهرهای بزرگ از وقوع جرایم مهم ناشی می‌شود و چه مقدار مربوط به تنفر و استرس ناشی از بی‌نظمی در خیابان‌هاست. بر اساس آنچه از رفتار و اظهارات مردم در مصاحبه‌هایشان به دست آمده می‌توان قضاوت کرد که آنها ارزش زیادی برای نظم عمومی قائل هستند و وقتی پلیس در حفظ نظم عمومی اقدام می‌کند احساس تسکین و اطمینان دارند.

ترس از جرایم خرد بیشتر در افراد مسن دیده می‌شود. سوزان اریک^(۲) از دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد^(۳) اخیراً تعدادی از مطالعات انجام شده بر روی منابع ترس عمومی را جمع‌آوری کرده است. یکی از آنها که در پرتلند اورگان^(۴) انجام شده است، نشان می‌دهد سه چهارم افراد مسن هنگامی که به یک گروه از جوانان برخورد می‌کنند به طرف دیگر خیابان می‌روند. در بالتیمور^(۵) معلوم شد که نزدیک نصف عبورهایی که از خیابان صورت می‌گیرد برای جلوگیری

1- New York civil Liberties Union.

2- Susan Eric.

3- Harvard University.

4- Portland, Oregon.

از برخورد با یک جوان ناشناس است. وقتی که مصاحبه کننده از افراد مسن پرسید که نقاط خطرناک خارج از خانه کدامند؟ می گفتند جایی که جوانان در آنجا جمع می شوند. در بوستون^(۱) نظر عمومی مردم این بود که بیشترین ترس مربوط به ساکنین ساختمان هایی است که بی نظم هستند. دانستن این موضوع کمک می کند تا اهمیت چیزهایی نظیر نقاشی در مترو را که ظاهراً بی ضرر به نظر می رسد درک کنیم. افزایش نوشته های گرافیکی این باور غیر قابل انکار را القاء می کند که محیطی که باید یک ساعت یا بیشتر در روز در آن باشیم کنترل نشده و غیر قابل کنترل است و هرکس هرکاری بخواهد انجام می دهد.

۴- سیاست جنایی در خصوص جرایم خرد

بررسی تدابیر و اقداماتی که در مورد جرایم خرد انجام می شود یک جهت گیری دوگانه در سیاست جنایی مقابله با جرایم خرد را نشان می دهد. در مورد یک گروه از جرایم خرد گرایش سیاست جنایی به سوی جرم زدایی و غیرکیفری کردن این اعمال و استفاده از راهکارهای مدنی و ضمانت اجرای اداری است. این گروه از جرایم خرد بیشتر به منظور ایجاد یک نظام دیوان سالار و انضباط اداری ایجاد شده اند و مجازات این جرایم شامل جزای نقدی و حبس های کوتاه مدت است که معمولاً توأم با اقدامات تأمینی نظیر ابطال پروانه کسب، جلوگیری از ساخت ساز، بستن مؤسسه همراه است. این قبیل جرایم خصوصاً در کشورهای در حال توسعه حجم زیادی از جرایم با مجازات های کم را تشکیل می دهند. گرایش سیاست جنایی، به سوی جرم زدایی، قضازدایی و کیفزدایی از این جرایم است. در کشور ما نیز شورای عالی توسعه قضایی طرح هایی جهت جرم زدایی در دست اجرا دارد که بخشی از این جرم زدایی به جرایم خرد مربوط به نظام اداری اختصاص دارد.

اما در مورد گروه دیگری از جرایم خرد که مربوط به نظم عمومی است (باید توجه کرد که اصطلاح جرایم خرد اصولاً در مورد این جرایم به کار می رود) گرایش سیاست جنایی کاملاً متفاوت است. تأکید بر مقابله با این جرایم و انجام اقدامات شدید پلیسی در مورد این گروه از جرایم در برخی از کشورها رویکرد جدیدی در سیاست جنایی مطرح کرده است که مقابله و کنترل شدید تخلفات و جرایم خرد را راهی برای پیشگیری از جرایم مهم تر می داند یا به عبارت

بهرتر کنترل نظم عمومی را مقدمه واجب تأمین امنیت به شمار می‌آورد. راهبردهایی نظیر «حد تحمل صفر» که از آن سخن گفتیم حاصل این اندیشه و نظر جدید در سیاست جنایی است. در کشور ما نیز تحلیل و بررسی‌های پلیس و دستگاه قضایی موجب گردید جرایم خرد و نظم عمومی خصوصاً در کلان شهرها بیشتر مورد توجه قرار گیرد. اقداماتی نظیر افزایش جزای نقدی مربوط به تخلفات رانندگی و اجرای طرح‌های مربوط به جمع‌آوری موتورسواران متخلف، مقابله با ولگردی، تکدی و اراذل و اوباش توسط پلیس نشانگر رویکرد جدید در مقابله با جرایم خرد مخل نظم عمومی است.

به هر حال تمایز میان جرایم خرد و جرایم مهم موجب می‌گردد که در مقابله با جرایم خرد تدابیر و روش‌های متفاوت توسط نهادهای متمایز به کار رود به عبارت دیگر تمایز میان جرایم خرد و جرایم مهم ضرورت یک سیاست جنایی افتراقی را مطرح می‌کند. از سوی دیگر ماهیت متفاوت جرایم خرد سبب می‌گردد نوع تدابیر پیشگیری و مقابله در خصوص گروه‌های مختلف این جرایم متفاوت باشد. در این میان نقش مردم و همچنین نقش پلیس در مقابله با جرایم خرد اهمیت ویژه‌ای دارند که به اجمال به آن می‌پردازیم.

۴/۱- نقش مردم در (سیاست جنایی مشارکت) در مقابله با جرایم خرد

سازماندهی اهالی محلات و تشکیل سازمان‌های مردمی مقابله با جرایم خرد (NGO) راه‌حلی است که می‌تواند با توجه به ویژگی‌ها و گستردگی جرایم خرد کارساز باشد و همان‌گونه که ذکر شد کسانی که می‌توانند با تلاش خودشان نظم عمومی را اعاده نمایند، همان شهروندان عادی هستند. گرچه پلیس و دستگاه‌های دولتی نیز در مقابله با جرایم خرد سهم به‌سزایی دارند اما به نظر می‌رسد که اعمال پاسخ‌های مردمی در برابر جرایم خرد هزینه کمتر و کارآمدی بیشتری داشته باشد.

مقابله با این جرایم را می‌توان در قالب طرح‌های سالم‌سازی محلات با مشارکت مردم سازماندهی نموده و پلیس و دستگاه‌های دولتی می‌توانند گروه‌های مردمی را در جهت اصلاح فرهنگی محلات و مقابله با ناهنجاری‌های رفتاری ناقض نظم عمومی ساماندهی نمایند و این همان چیزی است که از آن به عنوان سیاست جنایی مشارکتی یاد می‌شود. در واقع بخش مهمی از مشارکت مردم و دستگاه‌های دولتی و پلیس در خصوص زمینه‌هایی مانند آموزش همگانی

در خصوص مقابله با جرایم خرد و اعاده و تأمین نظم عمومی است. چراکه مقابله با جرایم مهم یا جرایم سازمان یافته و گروهی دارای پیچیدگی و گستردگی‌های خاص خود است و کشف این جرایم و مقابله با آنها نیازمند تخصص، ابزار، هماهنگی و ظرفیتی است که تنها دستگاه‌های گسترده و تخصصی پلیس می‌توانند به آنها رسیدگی کنند. گرچه نهادهای مردمی نیز در مقابله با این جرایم نقش دارند اما نقش نهادهای مردم در مقابله با جرایم خرد بسیار پررنگ‌تر است. در بخش پاسخ‌های دولتی نیز همان‌گونه که ذکر شده سیاست جنایی بیشتر متوجه کیفرزدایی از جرایم خرد و استفاده از جانشین‌های مجازات است. (آشوری، جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین، ۱۳۸۲)

در موضوع رسیدگی به این جرایم نیز با توجه به اینکه این جرایم ساده هستند و خسارات ناشی از آنها زیاد نیست و رسیدگی به آنها نیازی به بررسی‌های پیچیده حقوقی ندارد می‌توان رسیدگی و حل و فصل آنها را به نهادهای سازمان یافته مردمی و یا نهادهای غیرتخصصی واگذار نمود. (درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، صص ۷۷-۸۰) در ایران نیز تأسیسات نظیر خانه‌های انصاف و شوراها و شوراهای حل اختلاف که در سال‌های اخیر تشکیل شده‌اند حرکتی در جهت قضازدایی از این جرایم و رسیدگی سریع به آنها و کم کردن بار دستگاه قضایی و مشارکت مردم در رسیدگی‌ها بوده است. به عبارت بهتر سیاست جنایی قضایی در خصوص جرایم خرد سعی در قضازدایی از این جرایم دارد.

۴/۲- نقش پلیس در مقابله با جرایم خرد

نکته مهم دیگر نقش اقدامات پلیس در مقابله با جرایم خرد است. در واقع مهم‌ترین اقدامات در مورد جرایم خرد اقدامات بازدارنده پلیس و اصولاً رویکرد موجود در جرم‌شناسی در خصوص جرایم خرد حاصل مطالعاتی است که در مورد عملکرد پلیس در قبال جرایم خرد انجام شده است. ماهیت جرایم از نظر پیچیدگی نحوه ارتکاب و میزان خسارتی که به جامعه وارد می‌کنند موجب ایجاد اشتقاق و طبقه‌بندی در عملکرد و سازماندهی دستگاه قضایی و پلیس شده است. به طوری که رسیدگی به جرایم مهم و پیچیده توسط بخش‌های تخصصی پلیس جنایی انجام می‌شود. در حالی که رسیدگی به جرایم خرد توسط بخش‌های انتظامی پلیس و یا در برخی کشورها پلیس محلی صورت می‌گیرد. به طور کلی رویکرد سیاست جنایی اجرایی در

یعنی بخشی از پلیس که با او نیفورم در محلات حاضر می‌شوند، مردم محله را می‌شناسند و با مردم رابطه نزدیکی دارند. اقدامات آنها بیشتر در خصوص حفظ نظم عمومی در خیابان‌ها و محلات است. در برخی دیگر از کشورها که پلیس دارای تقسیم‌بندی دیگری است یعنی پلیس فدرال و پلیس محلی وجود ندارد، بلکه تقسیم‌بندی بر اساس وظایف پلیس تنظیم شده است. پلیس را به پلیس انتظامی و پلیس جنایی و اقسام دیگری با وظایف خاص خود طبقه‌بندی می‌کنند. در این کشورها باید گفت وظیفه مقابله با جرایم خرد را پلیس انتظامی به عهده دارد. در کشور ما نیز پلیس انتظامی و کلانتری‌ها برقراری نظم عمومی در خیابان‌ها را به عهده دارند. پلیس راهنمایی مسئولیت حفظ نظم عبور و مرور را برعهده دارد و مقابله با جرایم علیه نظم عمومی و جرایم خرد به این گروه سپرده شده است. جرایم ترافیکی که گروهی از جرایم خرد هستند مثال ملموس و بارز جرایم خرد هستند. در هر روز در کلان شهرها صدها هزار تخلف ترافیکی رخ می‌دهد که توسط پلیس برای آنها جزای نقدی تعیین می‌شود و این تخلفات یکی از عوامل برهم خوردن نظم عبور و مرور هستند و تبعات سنگین اقتصادی و اجتماعی را به دنبال دارد. آمارهای جمع‌آوری شده از مجتمع‌های قضایی سطح شهر تهران نشان می‌دهد که بالاترین آمارها در میان جرایم خرد مربوط به رانندگی بدون گواهینامه است. به هر حال پاسخ دولتی در برابر جرایم خرد بیشتر متضمن اقدامات پلیسی و به‌ویژه اقدامات پلیسی انتظامی است.

در خصوص جرایم خرد علیه نظم عمومی در کشور ما نیز شاهد تشدید اقدامات پلیس در برخورد با جرایم ترافیکی، برخورد با موتورسواران متخلف، برخورد با ارادل و اوباش هستیم که در قالب طرح‌های پلیسی انجام می‌شود اما یک طرح منسجم با مطالعه قبلی اجرا نشده تا بتوان بازخوردهای مقابله با جرایم خرد و تأثیر آن در احساس امنیت یا کاهش میزان جرایم مهم را سنجید. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که اگر برخورد پلیس با مرتکبین برخوردی خشن باشد و افرادی با رفتار و ظاهر متفاوت را هدف قرار دهد شائبه تبعیض و رفتارگزینشی پلیس متصور خواهد بود. به نظر می‌رسد حضور پلیس و رفتار ارشادی و گفتمان پلیس با مردم تأثیر بیشتری از اعمال قانون و استفاده از ابزارهای خشن داشته باشد.

جرم‌زدایی از جرایم خرد و تبدیل پاسخ‌های دولتی به این جرایم به پاسخ‌های مردمی جهت‌گیری شده است.

ثانیاً در بخش رسیدگی و سیاست جنایی قضایی نیز سعی در قضازدایی و استفاده از مکانیزم‌های سازش و میانجیگری در خصوص جرایم خرد دیده می‌شود و در مرحله قبل از سعی در کاهش تشریفات رسیدگی و افزایش سرعت و قطعیت در خصوص جرایم خرد وجود دارد. ثالثاً در بخش اجرایی سه گرایش عمده می‌شود. گرایش اول: روش استفاده از ابزارهای پلیسی و راهکارهای مختلف مانند کنترل شدید جرایم خرد و استراتژی معروف به (حد تحمل صفر) است که در نیویورک استفاده شد و موجب مطالعات مختلف و ارائه نظریه معروف به پنجره‌های شکسته گردید. این گرایش بیشتر بر تأثیر عملکرد پلیس محلی یا بخش‌های انتظامی پلیس برای کنترل جرایم خرد تأکید دارد.

گرایش دوم جلب مشارکت مردمی و همکاری مردم با پلیس در برخورد با جرایم خرد از طریق سازماندهی گروه‌های مردمی و محلی است.

گرایش سوم استفاده از مؤسسات خصوصی تأمین امنیت محلات، آپارتمان‌ها و برج‌هاست که هزینه آن توسط مردم پرداخت می‌شود و اقدامات آن توسط پلیس هدایت و کنترل می‌شود. با توجه به موارد مذکور می‌توان گفت سوگیری سیاست جنایی در جرایم خرد بیشتر به سوی اقدامات پلیسی و پاسخ‌های مردمی با جلب مشارکت مردمی است.

کتابنامه:

الف - فارسی

- ۱ - آخوندی، محمود، (۱۳۷۸)، نگرش قره قضائیه ج.ا.ا. به جرایم خرد، مجموعه مقالات بیست و یکمین دوره بین‌المللی عالی تخصصی نیروهای پلیس اصفهان.
- ۲ - آشوری، محمد، (۱۳۸۲)، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳ - باهری، محمد، (۱۳۸۱)، حقوق جزای عمومی، (تقریرات)، چاپ اول، تهران، انتشارات رهام.
- ۴ - قیاسی، جلال‌الدین، حمید دهقان، قدرت‌الله خسروشاهی، (۱۳۸۰)، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۵ - گاستون، استفانی - برنارد بلوک - ژرژ لوسور، (۱۳۷۷)، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

ب - لاتین

- 1 - Bratton, William J., (1998), Order Maintenance-Aggressive enforcement of Laws against Nuisance Offenses, *Turnaround: How America's Top Cop Reversed the Crime Epidemic*(New York: Random House).
- 2 - Encyclopedia Britanica (Ref. Petty Crime).
- 3 - Greene Judith A., (1999), "Zero-Tolerance: A Case study of Police Policies and Practices in New York City", *Crime and Delinquency* 45 (1999).
- 4 - Karmen Andrew, *New York Murder Mystery: The True Story Behind the Crime Crash of the 1990's* (New York University Press).
- 5 - Kelling George L. and Catherine M. Coles, (1996), *Fixing Broken Windows*, (New York: The Free Press).
- 6 - Kelling Geroge L. and James Q. Wilson, (1982), "*Broken Windows*" *Atlantic Monthly* Press.
- 7 - Sampson, Robert J. and Stephen W. Raudenbush, (2000), "Systematic Social Observation of Public Spaces: A New Look at Disorder in Urban Neighborhoods", *American Journal of Sociology* 105.
- 8 - Silverman Eli. B. (1999), *NYPD Battles Crime: Innovative strategies in Policing* (Northeastern University Press).
- 9 - Skogan Wesley G., (1987), *Disorder and Community Decline: Final Report to the National Institute of Justice* (Evanston, Ill.: Northwestern University Center for Urban affairs and Policy Research).
- 10 - Rashbaum William, "*New Focus on Quality of Life*".
- 11 - U.S. Department of Justice, (2001), Bureau of Justice Statistics, *Sourcebook of Criminal Justice Statistics 2000* (Washington, D.C.: U.S. Government Printing Office).